

عنوان مقاله:

ایران، جهان اسلام و تغییر در هندسه ی قدرت بین المللی

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، دوره 2، شماره 7 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

غلامعلی چگنی زاده - استادیار روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

خلاصه مقاله:

دوران گذار و انتقال، مبحثی کلیدی در دانش روابط و سیاست بینالملل محسوب میشود. در حال حاضر اجماعی در محافل آکادمیک وجود دارد مبنی بر اینکه نظم موجود در حال تجربه تغییرات جدیدی است. در همین رابطه منتقدین برای فهم این تغییر و چگونگی تاثیر بر فرآیندهای کلان آن تلاش وافری نموده اند. در کنار سایر گرایش های تغییرساز، تجربهی انقلاب اسلامی نیز به مثابه حرکتی تحولخواه، از ابتدا تغییر در هندسه ی قدرت بین المللی را مطرح ساخت. سوال اساسی این مقاله عبارتست از اینکه آیا در دو متن انقلاب اسلامی و ایران، مبانی و بنیان های فلسفی و نظری معطوف به تغییر در نظم اجتماعی بینالمللی وجود دارد در نتیجه هدف اساسی این نوشتار واکاوی مبانی فلسفی اراده ی تغییر مندرج در فرهنگ ایرانی و ایجاد ارتباط بین این مبانی با ضرورت های جدید ایفای نقش در مسیر تغییر هندسه ی قدرت بین المللی بوده است. فرضیه ی این نوشتار بر وجود لایه های غنی فکری و فلسفی در انقلاب اسلامی و ایرانی به منظور مشارکت فعالانه در مسیر تغییر هندسه ی قدرت بین المللی دلالت داشت. در پاسخ به پرسش واکاوی پیرامون قابلیت های فلسفی موجود در فرهنگ ایرانی و اسلامی در فرآیند تغییر هندسه ی قدرت بین المللی، نوشتار حاضر با رهیافتی عقلانی، منابع گرایش به تغییر هندسه ی موجود قدرت جهانی را در متن حیات فرهنگی ایران تبیین نمود. بر این اساس نوشتار حاضر مدعی شد که انگاره ی (ایده) مطالبه ی تغییر در نظم های گوناگون (خرد و کلان) اجتماعی، بنیان و نیز عصاره ی انقلاب اسلامی و محصولی از محتوای فرهنگی تاریخی ایران است. نکته ی دیگر آن که مطالبه ی تغییر به نحوی تناقض آمیز به بستری از شناسایی گری و پذیرشگری اقوام دیگر (همسایه) میانجامد، این فرآیند دو سویه هم شامل اراده ی تغییر و هم شامل میل به همنوایی است.

کلمات کلیدی:

ایران، جهان اسلام، تغییر، سیاست بین الملل، قدرت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/722232>

